

نیمه شیطان یا فرشته پرهیزگار

به مانند دیگر آثار جیلان؛ در خواب زمستانی نیز با یک جامعه‌ی خاص طرفیم. جامعه‌ای که اگرچه کوچک می‌نماید اما همه چیز دارد. هر نوع خلق و خویی در این روستای کوهستانی موجود است.



همشهری آنلاین - مهدی تهرانی؛ به مانند دیگر آثار جیلان؛ در خواب زمستانی نیز با یک جامعه‌ی خاص طرفیم. جامعه‌ای که اگرچه کوچک می‌نماید اما همه چیز دارد. هر نوع خلق و خویی در این روستای کوهستانی موجود است. در این جامعه همه چیز خط کشی شده است و متر و معیار سنتی و مدرن فراهم آمده. و باعث و بانی این معیارها نیز کسی نیست جز مالک آنجا.

آیدین؛ مالک میانه سال این روستای کوهستانی با چالش‌های عاطفی و اجتماعی فراوانی روبرو است. برخی او را فرشته‌ی زندگی‌شان و برخی دیگر؛ عامل زوال و نابودی خود می‌پندارند.

منشا تمام داستانک‌های آخرین فیلم نوری بیلگه جیلان همین آیدین است. اخلاقیات و مشرب خاص او؛ متر و معیار تمام شخصیت‌هاست و همین روند تا انتهای فیلم ادامه دارد. با اینهمه جیلان در این فیلم طولانی قصد دارد بگوید گاهی ممکن است معیارهای زندگی نیز دچار خطاها و لغزش‌های عجیبی شوند.

زندگی آیدین به نوعی بیانگر آدمهایی است که دوست دارند همیشه محبوب بمانند. افرادی که اگرچه تحصیل کرده و فرهیخته هم رخ می‌نمایند اما به سبب ذات آدمی می‌توانند ضعف‌های فراوان نیز داشته باشند.

اگر سکانس افتتاحیه را مرور کنیم در می‌یابیم خود آیدین نیز در این خلق و خوی عجیبش گرفتار آمده. اندکی بعد مشخص می‌شود که اهالی به ویژه نسل جدید و جوانترهای روستا، از شخصیت آیدین بیزارند. اما پذیرش این بیزاری از سوی آیدین باورنکردنی است.

او صاحب یک هتل خوب در روستا است. اما می‌بینیم که هیچ کس حال و حوصله‌ی هم‌کلام شدن با آیدین را ندارد. نه میهمان خارجی و نه خدمه و نه حتی همسر بسیار جوان آیدین او را بر نمی‌تابند. آنهایی که هنوز با آیدین رودر بایستی دارند سعی می‌کنند با او برخورد نکنند و افرادی مثل همسرش آب پاکی به دستانش می‌ریزند و بدون تعارف او را موجودی غیرقابل تحمل می‌خوانند.

خواب زمستانی در بیان یک زندگی حقیقی توأم با تمام کاستی‌ها و باورهایش اثری توانا از کار درآمده است. یک نوع زندگی که بسیاری از مردم تجربه اش کرده‌اند. می‌خواهید خداوندگار اطرافیان خود باشید اما خب این وظیفه‌ای خاص است.

خیلی‌ها در این راه و آرزو بیشتر به موجودی شر تبدیل می‌شوند تا یک خدای کوچک. روندی که دقیقاً در زندگی آیدین رخ داده همین است.

با این حال آیدین و پرداختی که جیلان از آن تصویر کرده کمی تا قسمتی حس ترحم و در برخی مواقع حس احترام تماشاگر را به چالش می‌کشد. جدای از ثروت او و کسب و کارش به هر حال آیدین یک بازیگر تئاتر موفق بوده و اکنون در حال نگارش کتابی در باره تئاتر ترکیه است.

اما همینقدر که امتیازات او را به حساب می‌آوریم و باعث می‌شود برایش احترام قائل شویم از آن سو خلق و خوی خاصش و بدبینی بقیه اطرافیان نیز برایمان تعجب برانگیز است و باعث می‌شود نسبت به آیدین به شک و تردید بیفتیم.

نوری بیلگه جیلان در خواب زمستانی به درستی جادوی رئالیسم خود را تصویر کرده است. آیدین سمبل مردهای درمانده است. غرور و افتخار آدم‌هایی که دم به ساعت در معرض دود شدن و به هوا رفتن است.

عمده‌ی آدمهای داستان این فیلم نیز به نوعی در این دود شدن و به فنا رفتن آیدین سهم دارند.

از پس‌ری که به طرف ماشینش سنگ پرتاب می‌کند (به نشانه نفرت) تا پدر همین پسر که به عذر خواهی می‌پردازد (به نشانه ذلت) و رفتار نهال همسر آیدین با او (به نشانه تحقیر) همگی دست به دست هم می‌دهند تا آیدین در یک گنگی عجیب گرفتار بیاید. جادوی رئالیسم همین است که جیلان در خواب زمستانی بازگو می‌کند.

خواب زمستانی شکوه فیلم‌های غول‌هایی مثل اینگمار برگمان و روبرتو روسلینی را احتمالاً در خود دارد. قوت سکانس افتتاحیه و یا اولین نماهای حضور در هتل را به یاد بیاورید. همگی در خدمت معرفی زیرکانه و پراخت دقیق شخصیت آیدین کاربری شده‌اند.

فیلم اگرچه طولانی است اما به قدری چالش برانگیز است که تماشاگر را وادار می‌کند تا کار به سرانجام برسد و او در یابد شخصیت آیدین آیا واقعا فرشته‌ی پرهیزگار جامعه‌ی کوچکش است یا شیطان نیمه خفته‌ی آنها!